

Research in School and Virtual Learning

ORIGINAL ARTICLE

The Effectiveness of Blended Teaching Approach in Teaching Persian Language to the Second Grade of Elementary Students

Hoda Ghoraeian^{1*}, Elaheh Hejazi², Mansoureh Haj Hosseini³, Keyvan Salehi⁴

1 PhD Student in Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

3 Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

4 Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Correspondence

Name: Hoda Ghoraiyan

Email:

hoda.ghoraeian@yahoo.com

How to cite:

Ghoraeian, H. Hejazi, E. Haj Hosseini, M. Salehi, K. (2025). The Effectiveness of Blended Teaching Approach in Teaching Persian Language to the Second Grade of Elementary Students. *Research in School and Virtual Learning*, 13(1), 87-99.

ABSTRACT

This qualitative study aimed to explore the concept of talent from the perspective of behavioral science experts within the context of Iran's educational system. Adopting a constructivist approach and employing grounded theory methodology, data collected through semi-structured interviews with talent development specialists and analyzed using MAXQDA software.

The findings revealed that the concept of talent at the heart of this study possesses a multidimensional and dynamic nature, emerging from the interaction between innate and environmental factors. Data analysis led to the identification of four key components that collectively explain the essence of talent: 1) The nature of talent (the study's core) comprising biological dimensions (innate abilities and intelligence-related capacities) and social dimensions (environmental influences and future-oriented tendencies); 2) Characteristics of talented individuals as diagnostic indicators; 3) Related factors (cognitive, emotional, biological, and contextual) as formative foundations; and 4) Identification methods as operationalization tools. The study presents an integrated model demonstrating that a comprehensive understanding of talent requires simultaneous attention to both innate (genetic and intellectual) and acquired (environmental and educational) dimensions. These findings can provide a foundation for developing theoretical frameworks and designing practical programs within Iran's educational system.

KEYWORDS

Talent, Behavioral Sciences Specialists, The Education System of Iran, Grounded Theory, Conceptual Model.

نشریه علمی

پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی

«مقاله پژوهشی»

بازشناسی مفهوم استعداد از دیدگاه متخصصان علوم رفتاری در نظام آموزشی ایران: یک مدل مفهومی

هدی قرائیان^{۱*}، الهه حجازی^۲، منصوره حاج حسینی^۳، کیوان صالحی^۴

چکیده

این پژوهش کیفی با هدف تبیین مفهوم استعداد از دیدگاه متخصصان علوم رفتاری در بافت نظام آموزشی ایران انجام شد. با اتخاذ رویکرد سازاگرایانه و بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان حوزه استعدادپروری گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مفهوم استعداد در مرکز این مطالعه، دارای ماهیتی چندبعدی و پویاست که در تعامل میان عوامل ذاتی و محیطی شکل می‌گیرد. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج چهار مؤلفه کلیدی شد که همگی در خدمت تبیین چرایی استعداد قرار دارند. ماهیت استعداد (هسته مرکزی پژوهش) شامل: ابعاد زیستی (توانمندی‌های ذاتی و وابسته به هوش) و ابعاد اجتماعی (تأثیرپذیری از محیط و جهت‌گیری آینده‌نگر)؛ همچنین ویژگی‌های افراد بااستعداد به عنوان شاخص‌های تشخیصی مفهوم، عوامل مرتبط (شناختی، هیجانی، زیستی و بافتی) به عنوان بسترهای شکل‌دهنده و روش‌های شناسایی به عنوان ابزارهای عملیاتی‌سازی مفهوم. مطالعه حاضر با ارائه مدلی یکپارچه نشان می‌دهد که درک جامع از استعداد، مستلزم توجه همزمان به ابعاد ذاتی (ژنتیک و هوش) و ابعاد اکتسابی (محیط و آموزش) است. این یافته‌ها می‌تواند مبنایی برای توسعه چارچوب‌های نظری و طراحی برنامه‌های عملی در نظام آموزشی ایران فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی

استعداد، متخصصان علوم رفتاری، نظام آموزشی ایران، نظریه داده‌بنیاد، مدل مفهومی.

۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲ استاد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳ دانشیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴ دانشیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

هدی قرائیان

رایانامه:

hoda.ghoraieian@yahoo.com

استناد به این مقاله:

هدی قرائیان، الهه حجازی، منصوره حاج حسینی، کیوان صالحی (۱۴۰۴). بازشناسی مفهوم استعداد از دیدگاه متخصصان علوم رفتاری در نظام آموزشی ایران: یک مدل مفهومی. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۱۳(۱)، ۸۷-۹۹.

<https://etl.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

مفهوم استعداد در طول زمان دستخوش تحولات بنیادینی شده است. در حالی که دیدگاه‌های سنتی، استعداد را صرفاً یک ویژگی ذاتی و ثابت می‌پنداشتند (ترمن^۱، ۱۹۲۵)، پژوهش‌های معاصر آن را سازه‌ای پیچیده و چندبعدی می‌دانند که حاصل تعامل پویای عوامل زیستی و محیطی است (انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲، ۲۰۲۲). این تحول مفهومی نشان‌دهنده گذار از نگرش‌های ذات‌گرایانه به سمت درک پویا و تعاملی از استعداد است که در مدل‌هایی مانند مدل تفکیک استعداد - پیشرفت گانیه^۳ (۲۰۱۸) به خوبی نمایان شده است.

یافته‌های علوم اعصاب‌شناختی نشان می‌دهند که افراد بااستعداد معمولاً الگوهای فعال‌سازی عصبی متمایزی در انجام تکالیف شناختی دارند (پلامین و فون اشتوم^۴، ۲۰۱۸). برای مثال، مطالعات تصویربرداری مغز نشان داده‌اند که هنگام حل مسائل ریاضی، فعالیت بیشتری در قشر پیش‌پیشانی و مناطق آهیانه‌ای مغز این افراد مشاهده می‌شود (آرسالیدو و تیلور^۵، ۲۰۱۱). با این حال، این تفاوت‌های عصبی لزوماً ذاتی نبوده و می‌توانند حاصل تجربیات یادگیری غنی نیز باشند (توماس^۶ و همکاران، ۲۰۱۹)، نکته‌ای که بر اهمیت تعامل عوامل زیستی و محیطی تأکید می‌کند.

نظریه‌های سیستمی مانند مدل اکولوژیک برونفنبرنر (برونفنبرنر و موریس^۷، ۲۰۰۶) استعداد را در بستری چندلایه از عوامل محیطی مفهوم‌پردازی می‌کنند. این مدل سطوح مختلفی از تأثیرات محیطی را شناسایی می‌کند که از روابط بین فردی در خانواده و مدرسه تا سیاست‌های آموزشی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. مطالعات طولی نشان داده‌اند که حتی افراد با بالاترین سطح استعداد ذاتی، بدون محیط مناسب و فرصت‌های آموزشی کافی نمی‌توانند به سطح بالایی از عملکرد دست یابند (سابوتنیک^۸ و همکاران، ۲۰۱۱). یافته‌ای که در مدل عمل‌گرایانه زیگلر و فیلیپسون^۹ (۲۰۱۲) تحت عنوان «حلقه‌های یادگیری بهینه» تأکید شده است.

ویژگی‌های روان‌شناختی افراد بااستعداد نیز موضوع تحقیقات گسترده‌ای بوده است. علاوه بر توانایی‌های شناختی، این افراد معمولاً از سطوح بالاتری از انگیزش درونی

گاتفرید^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۶)، خودتنظیمی (زیمرن، ۲۰۰۲)، تاب‌آوری (اولشوسکی-کوبیلیوس^{۱۱}، ۲۰۰۰) و کنجکاوی فکری (فون اشتوم^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۱) برخوردارند. استرنبرگ^{۱۳} (۲۰۲۱) در نظریه «استعداد تحولی» بر اهمیت سبک‌های تفکر و راهبردهای فراشناختی تأکید می‌کند و معتقد است توانایی تطبیق سبک تفکر با خواسته‌های تکلیف، پیش‌بین قوی‌تری برای موفقیت است تا صرفاً داشتن هوش عمومی بالا.

در زمینه روش‌های شناسایی، رویکردهای نوین بر ارزیابی‌های چندبعدی تأکید دارند (ماکل^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۱) که شامل آزمون‌های استاندارد، نمونه‌کارهای عملکردی، مشاهده رفتار و مصاحبه با معلمان و والدین می‌شود (جاروین و سابوتنیک^{۱۵}، ۲۰۱۵). این تنوع روش‌شناختی پاسخگوی انتقاداتی است که به محدودیت‌های آزمون‌های هوش سنتی وارد شده است (بورلند^{۱۶}، ۲۰۰۵)؛ به ویژه در مورد گروه‌های محروم که ممکن است تحت تأثیر «تهدید کلیشه‌ای» (استیل^{۱۷}، ۲۰۱۰) قرار گیرند.

در بافت آموزشی ایران، مطالعات نشان می‌دهند که نظام آموزشی با چالش‌های متعددی در زمینه استعدادپروری مواجه است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰). این چالش‌ها شامل عدم وجود تعریف روشن از استعداد، محدودیت روش‌های شناسایی، کمبود برنامه‌های تربیت معلم و نبود سیاست‌گذاری یکپارچه می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی جامع و بومی برای مفهوم‌پردازی استعداد و طراحی الگویی کارآمد انجام شده است که هم عوامل فردی (شناختی، هیجانی، انگیزشی) و هم عوامل محیطی (خانواده، مدرسه، جامعه) را در نظر می‌گیرد و می‌تواند به کاهش شکاف بین نظریه و عمل در نظام آموزشی ایران کمک کند.

روش

مفهوم استعداد در طول زمان دستخوش تحولات بنیادینی شده.

10 Gottfried
11 Zimmerman
12 Olszewski-Kubilius
13 Von Stumm
14 Sternberg
15 Makel
16 Jarvin & Subotnik
17 Steele

1 Terman
2 American Psychological Association
3 Gagné
4 Plomin & von Stumm
5 Arsalidou & Taylor
6 Thomas
7 Bronfenbrenner & Morris
8 Subotnik
9 Ziegler & Phillipson

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

ردیف	شناسه مستعار	تحصیلات	شغل	دانشگاه
۱	مشارکت‌کننده اول	دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی	هیئت علمی دانشگاه تهران	دانشگاه تهران
۲	مشارکت‌کننده دوم	دکتری سنجش و ارزیابی	هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس	دانشگاه تهران
۳	مشارکت‌کننده سوم	دکتری مشاوره	هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی	دانشگاه تهران
۴	مشارکت‌کننده چهارم	دکتری روان‌شناسی تربیتی	متخصص حیطه استعدادپروری	دانشگاه تهران
۵	مشارکت‌کننده پنجم	دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۶	مشارکت‌کننده ششم	دکتری روان‌شناسی تربیتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۷	مشارکت‌کننده هفتم	دکتری روان‌شناسی تربیتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۸	مشارکت‌کننده هشتم	دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۹	مشارکت‌کننده نهم	دکتری برنامه‌ریزی درسی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۰	مشارکت‌کننده دهم	دکتری روان‌شناسی سلامت	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۱	مشارکت‌کننده یازدهم	دکتری روان‌شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۲	مشارکت‌کننده دوازدهم	دکتری روان‌شناسی تربیتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه شهید بهشتی
۱۳	مشارکت‌کننده سیزدهم	دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۴	مشارکت‌کننده چهاردهم	دکتری روان‌شناسی سلامت	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۵	مشارکت‌کننده پانزدهم	دکترای روان‌شناسی تربیتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران
۱۶	مشارکت‌کننده شانزدهم	دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانشگاه تهران

الگوی شارماز و هدف مرتب‌سازی مفهومی توسط محققان در دستور کار قرار گرفت. افراد شرکت‌کننده در تحقیق، ۱۶ نفر از متخصصان حرفه‌ای در زمینه یادگیری و آموزش بودند که با استفاده از ملاک استعدادپروری و روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و سپس با آن‌ها مصاحبه انجام شد. اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^{۱۱} استفاده شد. در این نوع مصاحبه تعدادی سوال کلی و بازپاسخ از قبل توسط مصاحبه‌کننده طراحی می‌گردد و در جریان مصاحبه، بسته به شرایط در فضایی منعطف از مشارکت‌کننده پرسیده می‌شود. نه ترتیب سوالات و نه شیوه گفتاری آن‌ها الزامی به مشخص بودن از قبل ندارد. از این رو، در عین رعایت انعطاف و آزادی لازم، خط سیر مد نظر مصاحبه‌گر نیز رعایت می‌گردد (مریام^{۱۲} و تیسدل^{۱۳}،

در این تحقیق از رویکرد کیفی و نظریه مبتنی بر داده استفاده شده است که امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را در زمینه واقعی فراهم می‌کند و یک چارچوب مفهومی ارائه می‌دهد. روش‌های رویکرد کیفی^۱، جهان‌بینی سازاگرایانه^۲ و طرح پژوهش نظریه داده‌بنیاد^۳ در سطح مرتب‌سازی مفهومی^۴ به منظور مرتب‌سازی مفهومی در این مطالعه به کار گرفته شده است. بر اساس نظریه کوربن^۵ و اشتراوس^۶ پژوهش کیفی داده بنیاد با توجه به سه سطح توصیفی^۷، مرتب‌سازی مفهومی و نظریه‌پردازی انجام می‌شود (استاف^۸ و لی^۹، ۲۰۲۱). بنابراین محققان در مطالعه حاضر به دنبال پیاده‌سازی سطح دوم که همان مرتب‌سازی مفهومی است، هستند. علاوه بر این، برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها از الگوی شارماز^{۱۰} استفاده نمودیم. از این رو، طرح پژوهش نظریه داده‌بنیاد با

- 1 Qualitative
- 2 Constructivist
- 3 Grounded Theory
- 4 Conceptual Ordering
- 5 Corbin
- 6 Strauss
- 7 Description
- 8 Stough
- 9 Lee
- 10 Charmaz

11 Guided
12 Merriam
13 Tisdell

که هدف این پژوهش است نیز کفایت می‌کند (استاف و لی، ۲۰۲۱). بر اساس ماهیت کیفی پژوهش حاضر، برای شاخص‌های باورپذیری، قابلیت اطمینان و انتقال‌پذیری از روش‌های زیر استفاده شده است: الف) روش مثلث‌سازی^۶ مبتنی بر نظر پژوهشگران^۷. در این روش علاوه بر نویسنده اول، سایر نویسندگان نیز به بررسی کدها و مقولات پرداخته و در نهایت بر اساس نظر خود به اصلاح آنان اقدام می‌کنند تا در نهایت بین نظر گروه پژوهشگران همگرایی بالا ایجاد شود (مریام و تیسدل، ۲۰۱۵؛ ب) تفاوت بیشینه^۸: در این روش برای اینکه انتقال‌پذیری به میزان بیشتری لحاظ شود، پژوهشگران سعی کرده‌اند متخصصان حیطه آموزش را گسترده‌تر در نظر گیرند، همچنین از مشارکت‌کنندگانی در زمینه‌های مختلف آموزشی اعم از تدریس در مدارس نیز استفاده کردیم (برایانت و شارمز، ۲۰۱۹؛ کرسول و پات، ۲۰۱۸؛ مریام و تیسدل، ۲۰۱۵؛ ج) توصیف غنی و قطور^۹ شرایط و زمینه پژوهش به انتقال‌پذیری یافته‌ها کمک کرده است و توصیف دقیق فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و دستیابی به طبقه‌بندی مفهومی شاخص اعتمادپذیری را پوشش داده است (مریام و تیسدل، ۲۰۱۵).

یافته‌ها

مضامین، مقولات و کدهای استخراج‌شده

بر اساس هدف پژوهش و مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان، چهار موضوع اصلی این پژوهش شامل مفهوم استعداد، ویژگی‌های افراد بااستعداد، عوامل مربوط به استعداد، و روش‌های شناسایی استعداد، شناسایی شدند. این موضوعات دارای مقولات، زیرمقولات و کدهایی مجزا هستند که در جدول ۲ خلاصه شده‌اند. در ادامه، به تبیین هر یک از مقولات و زیرمقولات این موضوعات خواهیم پرداخت.

۲۰۱۵). برای ساخت پروتکل چگونگی پیاده‌سازی مصاحبه و اولویت‌بندی سوالات از دو پژوهش برونک (۲۰۱۲) و دامون (۲۰۰۸) الهام گرفته شد.

شیوه اجرای پژوهش

پیش از شروع فرایند مصاحبه مشارکت‌کنندگان از شیوه کلی و هدف مصاحبه آگاه شدند و به‌منظور جلب رضایت آگاهانه به آنان شیوه حفظ اطلاعات به صورت محرمانه و ضبط شدن سیر مصاحبه ارائه شد و موافقت آن‌ها اخذ گردید. مصاحبه به‌صورت انفرادی و با تمرکز انجام گرفت. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها برای تحلیل و کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای نسخه ۱۸.۲.۵ استفاده شد و راهبرد تحلیل و کدگذاری پیشنهادی شارمز (۲۰۱۴) و روش مقایسه دائم^۱ یا همان تحلیل مکرر مقایسه‌ای در دستور کار پژوهشگران قرار گرفت (برایانت^۲ و شارمز، ۲۰۱۹). ذات سازاگرایانه و کمتر ساختارگرایی روش شارمز دو مرحله کدگذاری را پیشنهاد می‌دهد: کدگذاری اولیه^۳ و کدگذاری متمرکز^۴ (شارمز، ۲۰۱۴). در کدگذاری اولیه پژوهشگران کاملاً آزادانه همچون کدگذاری باز^۵ جلو رفتند و داده‌ها را خطبه‌خط یا واحد به واحد با کد مشخص کرده، سپس کدهای مرتبط را در مقوله‌هایی جمع‌بندی کردند. در مرحله کدگذاری متمرکز، در عوض استفاده از روش گلاسرو اشتراسی‌بی‌آنکه مقوله‌ای محوری انتخاب شود و سایر مقولات بر اساس شرایط، کنش و واکنش یا بافت و پیامد به مقوله محوری ارتباط یابند. مقوله‌های ایجادشده آزادانه آزمایش شده و ادغام، اصلاح و بازآفرینی شدند تا در نهایت مضامین نهایی شکل گرفتند و مرتب‌سازی مفهومی محقق شد. مرتب‌سازی مفهومی سطح دوم استفاده از طرح پژوهش داده‌بنیاد است که در آن فرد مقولات و مفاهیم استخراج‌شده را صرفاً طبقه‌بندی کرده و اصراری به ایجاد ارتباط میان آن‌ها ندارد؛ از این رو، مرتب‌سازی مفهومی بین سطح توصیف و نظریه در سطوح مختلف بهره‌گیری از طرح پژوهش داده‌بنیاد قرار دارد (استاف و لی، ۲۰۲۱). همچنین لازم به ذکر است که در انجام پژوهش داده‌بنیاد نیازی نیست که الزاماً پژوهشگران تا سطح سوم یعنی نظریه‌پردازی پیش روند؛ بلکه توصیف و مرتب‌سازی مفهومی

1 Constant Comparative Method

2 Bryant

3 Initial Coding

4 Focused Coding

5 Open Coding

6 Triangulation

7 Multiple Investigators

8 Maximum Variation

9 Thick

جدول ۲. مقولات و زیرمقولات سازه استعداد

مضامین	مقوله	زیرمقوله	نمونه کدگذاری	کد شرکت کنندگان	نمونه متن	
ماهیت استعداد	مقوله زیستی	ذاتی بودن	برخوردار بودن از تعیین‌کننده‌های زیستی و سرشتی	P3, P5	استعداد به نظر من توانایی ذاتی هست که انسان به صورت بالقوه در وجودش نهاده شده است	
	مقوله اجتماعی	وابسته به هوش	استعداد هوش تبلور یافته زمینه هوشی بالاتر از میانگین	P2, P5, P8	استعداد جنبه اختصاصی هوش است، هوش آمادگی کلی را برای افراد فراهم می‌کند. افراد بالاستعداد معمولاً هوش بالاتر از میانگین دارند.	
		جهت‌گیری آینده	توانایی پیش‌بینی پیامدها و تصمیم‌گیری درست در راستای پیشرفت‌گرایی پیش‌بینی‌کننده آینده فرد تصمیم‌گیری مناسب جهت مسیر درست زندگی	P1, P6	کسی که استعداد فوتبال دارد با کسی که فوتبال بلده متفاوت است. استعداد با یادگیری‌های قبلی کاری ندارد. پیش‌بینی کننده آینده شغلی و تحصیلی افراد است	
ویژگی‌های افراد بالاستعداد	هیجانی	سرعت یادگیری و نوع پردازش	ظرفیت بالای یادگیری سطوح پردازش عمیق‌تر		سطوح پردازش عمیق‌تری را دارند نوع پردازش‌شان مفهومی هست، نزولی هست، پارالل هست.	
		شناختی	خلاقیت و حل مسئله	دارای سبک حل مسئله‌مدار خلاقیت و نوآوری بیشتر در حل مسائل	P7, P8	آدم‌های بالاستعداد معمولاً آدم‌هایی هستند که همیشه به دنبال نوآوری و خلاقیت هستند سبک‌های حل مسئله بهتری دارند.
		احساس خودکارآمدی	اعتمادی که شخص به واسطه استعداد به خود دارد		خیلی سریع‌تر مطالب را یاد می‌گیرد، خیلی سریع‌تر پردازش می‌کند و بالاتر از سنش مطالب را دریافت می‌کند.	
عوامل مرتبط بالاستعداد	هیجانی	انگیزش امیدواری هوش هیجانی تمایل پشتکار و سخت‌کوشی	انتظار موفقیت خوش بینی درک دنیای شخصی دیگران استمرار و پیگیری در جهت دستیابی به موفقیت	P3, P5	افراد بالاستعداد از لحاظ انگیزشی بیشتر رویارویی دارند. استمرار، پشتکار، باید بحث استعداد را در آن مورد توجه قرار دهیم.	
		اجتماعی	بهره‌یستی اجتماعی مهارت رهبری روابط بین فردی و مهارت‌های اجتماعی مرزبندی اجتماعی		P10	سلامت روان که مثلاً یک نفر به لحاظ ژنتیکی، شانش بایپولار شده آن استعداد دارد خیلی، ولی آن بایپولار بودن باعث می‌شود که موفق نشود. فرد بالاستعداد یکی از ویژگی‌هایش مهارت‌های اجتماعی بالا است.
		شناختی	ادراک و پردازش کارکردهای اجرایی سبک اندیشیدن	توجه پایدار در انجام کارها ذخیره‌سازی و بازیابی سریع اطلاعات در حافظه سیالی ذهن و پردازش سریع اطلاعات فرآیندهای شناختی سطح بالا تفکر خلاق تفکر استراتژیک	P2, P4	سازه‌های استعداد کارکردهای توجه هست، ادراک هست، حافظه هست، فراحافظه، طرحواره‌های ذهنی هست و از همه مهم‌تر: نوع پردازش مفاهیمی که می‌تواند به استعداد نزدیک باشند توانایی هست و کارکردهای اجرایی مغز می‌تواند نزدیک باشد. عوامل خیلی زیادند مثلاً می‌توانیم یک سری عوامل دیگر مثل سبک یادگیری را به استعداد ربط دهیم، مثل سبک حل مسئله را به استعداد ربط دهیم، به بروز و شکوفایی استعداد منظورم هست.
عوامل مرتبط بالاستعداد	هیجانی	علاقه مندی سرزندگی رضایت‌مندی	تمایل و انگیزش درونی نشاط و هیجان مثبت در زندگی احساس خوشبختی	P4, P7	من خیلی مطمئن هستم با حرکت افراد در مسیر استعدادهایشان نشاط توی جامعه زیاد می‌شود بحث علاقمند بودن، گرایش داشتن، تمایل داشتن و بحث مهارت در انجام دادن پس بحث شناخت، گرایش‌ها و مهارت‌ها را با همدیگر ببینیم	
		بافت مغزی	حجم نیمکره‌های مغز شکل جمجمه حجم و سایز نورون‌ها			فکر می‌کنم با توجه به آن تعریفی که من بهش قائل هستم، آن سازه‌ها بیشتر سازه‌های ساختاری و زیستی است مثلاً وقتی از استعدادی مثل استعداد کلامی صحبت می‌کنیم، ظرفیت‌های ساختاری مغز تعیین‌کننده‌های اصلی هستند.
		زیستی	انتقال‌دهنده عصبی	گلوتامات دوپامین گابا (گاما آمینو بوتیریک اسید)	P4, P7, P9	
		ساختار بدنی	قند، وزن			

اجتماعی اقتصادی	سطح درآمد فضای کاری امن محله حمایت‌گر	عامل بعدی که با استعداد همبسته هست شرایط جامعه هم خیلی مهم است یعنی بعضی مواقع شرایط اقتصادی- اجتماعی می‌تواند استعدادهای را شکوفا کند یا ضایع کند.
ادامه عوامل مرتبط با استعداد	خانوادگی و فرهنگی	حمایت خانواده در شناسایی و پرورش استعدادهای تاثیر زیادی دارد
روشناسایی	آموزشی و تربیتی	تدریس مضامین درسی متنوع در مدرسه شخصیت معلم و حمایت او از دانش‌آموزان در طول تحصیل موثر است.
آزمون محور	آزمون توانایی	برای شناسایی استعداد شیوه‌های روانسنجی وجود دارد. که استعداد با ابزار اندازه‌گیری می‌کند مثل آزمون استانفورد و وکسلر.
روشناسایی	آزمون علائق و رغبت‌ها	استفاده از آزمون‌ها برای سنجش علائق فرد مانند آزمون هالند و ام بی تی‌ای میتونه مفید باشد.
میدانی	مشاهده مصاحبه	مصاحبه عمیق با خود فرد و اطرافیان مفید می‌باشد. بستگی به سن فرد دارد. اگر کودک است باید مصاحبه با والدین و مربیان انجام شود.
بررسی پورتفولیو	بررسی دستاوردهای زندگی فرد	بررسی پورتفولیو زندگی فرد مهم است. اینکه می‌گوید من ایتعداد ریاضی دارم کافی نیست. باید بررسی شود که چیکار کردی؟ چه دستاوردهای داشتی؟

آموزش ندارد. انسان‌های مختلف توانایی‌های مختلف دارند و مردم با برترین توانایی‌هایشان به جامعه خدمت می‌کنند.

ذاتی بودن

مناقشه بین طبیعت یا تربیت هم چنان محل بحث است و همچنان موضوعی پر اهمیت است. کدام یک از توانایی‌های فرد ارثی است و کدام یک را محیطش ایجاد می‌کند؟ استعداد به عنوان یک پتانسیل ذاتی مطلوب درک می‌شود، که به صورت بالقوه در وجود افراد نهاده می‌شود (آلبرگ^۱، ۲۰۲۰). برای مثال مشارکت‌کننده‌ای که می‌گوید: «از نظر من استعداد توانایی ذاتی است که در انسان به صورت بالقوه وجود دارد. و مشارکت‌کننده دیگری که استعداد به وسیله تعیین کننده‌های ژنتیکی و سرشتی تعریف می‌کند».

وابسته به هوش

بعد شناختی در قالب ضریب هوشی برای افراد با استعداد بیش از حد مورد تاکید بوده است و هم چنین پیش‌بینی کننده مهم افراد با استعداد است (فری و دترمن^۲، ۲۰۰۴). اما باید توجه داشت که هوش فرد برای استعداد، معیاری حداقلی است و همچون آجر و سیمان است که برای بنا لازم است ولی کافی نیست. هوش سنگ بنای توانایی‌هایی است که باید توسعه پیدا کنند و فرد با استعداد، فردی است که دارای توانایی طبیعی یا موهبت است و اشاره به افرادی که توانایی‌هایی بالاتر از حد عادی دارند، گفته می‌شود. از همین جهت هوش بالاتر از میانگین (نه فوق‌العاده بالا) برای استعدادهای تعریف می‌شود

مضامین مربوط به استعداد در نظام آموزشی:

مضمون اول: چپستی استعداد

مضمون چپستی موثر اشاره به تعریف و مفهوم استعداد دارد که در دو مقوله زیستی و اجتماعی تعریف می‌شود. تعریف استعداد در نظر متخصصان اشاره به توانایی ذاتی دارد که وابسته به هوش است و به شیوه خاصی بر پیشرفت فرد در آینده اثر می‌گذارد. استعدادهای تاثیرپذیری زیادی از محیط دارند و بسیاری از استعدادهای اگر محیط مناسب باشد، می‌توانند بالفعل شوند.

مقوله زیستی

توانمندی خاص در یک زمینه خاص

از گذشته تا کنون، جامعه بشری در تکاپو برای تعیین و مواجهه با افرادی بوده است که به واسطه توانایی‌هایشان با بقیه تفاوت داشتند. تعریف استعداد در نظر متخصصان اشاره به توانایی بالاتر از سطح متوسط در یک زمینه خاص دارد. استعداد پتانسیل درونی در افراد برای عمل کردن و پیشرفت در حیطه‌های خاص زندگی است. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای که می‌گوید: «استعداد به عنوان توانایی در حیطه‌های خاص است که خیلی مواقع به صورت بالقوه می‌ماند. یا مشارکت‌کننده دیگری که می‌گوید: استعداد توانایی بالقوه است که در بعضی حوزه‌ها بیشتر در درون ما وجود دارد و نیاز به کشف و شناسایی دارد. یا مشارکت‌کننده دیگری که معتقد است: پتانسیل درونی که شخص را قادر می‌سازد آن کار را انجام دهد و نیازی به

1 Ahlberg

2 Frey & Detterman

(آلبرگ، ۲۰۲۰). برای مثال مشارکت‌کننده‌ای که می‌گوید: «استعداد در مصاحبه با افراد، هوش تبلور یافته معنا می‌شود و استعداد جنبه اختصاصی هوش است و این آمادگی را برای افراد ایجاد می‌کند که بتوانند به استعدادهای خود دست پیدا کنند و مشارکت‌کننده دیگری که می‌گوید: ما برای تعریف آن نیازمند هوش بالاتر از میانگین هستیم».

مقوله اجتماعی

آینده‌نگر

یکی از جنبه‌های مهم تعریف استعداد نگاه آن به آینده و افق بلندمدت است. استعداد، عملکرد تحصیلی و یادگیری‌های گذشته افراد نیست و کاملاً نگاهی با چشم‌انداز بلندمدت به آینده دارد. برخلاف آزمون‌های متداول که یادگیری‌های گذشته افراد را می‌سنجند در آزمون‌های استعداد ما توانایی فرد و پیش‌بینی آن برای موفقیت در آینده را ارزیابی می‌کنیم. ما به دنبال یادگیری‌های گذشته فرد نیستیم و به همین جهت استعداد آینده‌نگر است. به طور مثال مشارکت‌کننده‌ای که استعداد را اینگونه تعریف می‌کند: «استعداد فرد پیش‌بینی کننده موفقیت او در آینده است. کسی که استعداد فوتبال دارد با کسی که فوتبال بلده متفاوت است».

تاثیرپذیری از محیط

نقش محیط در شناسایی و بالفعل شدن استعدادها بسیار مهم است. توانایی‌های ذاتی انسان به صورت بالقوه در وجودش نهاده شده است و با تعامل با محیط شناسایی و شکوفا می‌گردد. نقش محیط در تعریف استعدادها بسیار اهمیت دارد، به طوری که استعدادهایی که از نظر اجتماعی ارزشمند نیست، گاهی به عنوان استعداد تفسیر نمی‌شوند (بیکنباخ^۱، ۲۰۰۹). به طور مثال مشارکت‌کننده‌ای که می‌گوید: «توانایی ذاتی است به انسان به صورت بالقوه در وجودش نهاده شده است و می‌تواند در تعامل با محیط شناسایی و تمرین، مهارت و به عمل در آوردن آن‌ها، آن‌ها را به نمایش بگذارد و شکوفا کند و مشارکت‌کننده دیگری که معتقد است: تحقق پتانسیل استعداد بستگی به محیط اجتماعی، محیط خانه و خانواده دارد».

مضمون دوم: ویژگی‌های افراد بااستعداد

از مضمون‌های اصلی به دست آمده از تحلیل صحبت‌های شرکت‌کنندگان ویژگی‌های افراد بااستعداد است که در سه زیرمقوله شناختی، هیجانی و اجتماعی تقسیم‌بندی شده است.

مقوله شناختی

جنبه شناختی در تعریف استعداد همواره مورد تایید بوده است. به بیان دیگر سطح خاصی از توانایی فکری و ذهنی برای عملکرد مناسب در حیطه‌های مختلف ضرورت دارد. از این ویژگی‌ها می‌توان به سرعت یادگیری و نوع پردازش، خلاقیت و حل مسئله و احساس خودکارآمدی اشاره کرد. افراد بااستعداد با توجه به توانایی‌های بالقوه ذاتی که دارند، با سرعت بالاتری یاد می‌گیرند؛ سرعت پردازش و تحلیل عمیق‌تری دارند و در حل مسائل خود با خلاقیت و نوآوری بیشتری عمل می‌کنند و باتوجه به اعتمادی که فرد بااستعداد به توانایی خود دارد، عمل می‌کند و نتیجه مناسبی می‌بیند و خودکارآمدی و احساس ارزشمندی پیدا می‌کنند. به عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای که می‌گوید: «افراد بااستعداد اطلاعات را سریع‌تر پردازش می‌کنند، سطوح پردازش عمیق‌تری دارند، نوع پردازش‌شان مفهومی، نزولی و پارالل است و مشارکت‌کننده دیگری که می‌گوید: خیلی سریع‌تر مطالب را یاد می‌گیرد، خیلی سریع‌تر پردازش می‌کند و بالاتر از سنش مطالب را دریافت می‌کند. و مشارکت‌کننده دیگری که معتقد است: آدم‌های بااستعداد معمولاً آدم‌هایی هستند که همیشه به دنبال نوآوری و خلاقیت هستند یعنی حتی یک اسباب‌بازی به یک بچه‌ای بدهی که بااستعداد است ممکن است سعی کند خارج از آن بازی‌هایی که طبق معمول باهاش انجام می‌دهد، یک بازی‌های جدیدی را با آنها شکل دهد، وضع بدهد، خلق کند».

جنبه هیجانی

بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که افراد بااستعداد و موفق در تمامی رشته‌ها یک سری صفات شخصیتی مشترک دارند. این صفات در واقع جنبه عاطفی چیزی هستند که شخص انتظار موفقیت در آن دارد. و اثربخش بودن افراد در مسیر زندگی را مدیون نیروی شخصیتی‌شان می‌داند. ویژگی‌های هیجانی اشاره به نوعی شوق و خواست درونی یادگیری است که سبب می‌شود آن‌ها توجه بیشتری به حوزه‌هایی داشته باشند که در آن واجد ظرفیت‌های استثنایی هستند. از تحلیل صحبت‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان به ویژگی‌های هیجانی مانند انگیزه درونی بالا برای یادگیری، امیدواری، هوش هیجانی، تمایل، پشت کار و سخت‌کوشی اشاره داشت. این افراد بیشتر از دیگران انتظار موفقیت از خود دارند و خوش‌بین هستند. همچنین با توجه به هوش هیجانی، این افراد می‌توانند تکانه‌های هیجانی خود را مهار کنند و به احساسات دیگران پی ببرند و همدلی مناسبی داشته باشند. به طور مثال به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «افراد بااستعداد از لحاظ انگیزشی بیشتر رویارویی با چالش‌ها دارند».

مقوله اجتماعی

مضمون دیگری که در این پژوهش براساس تحلیل مصاحبه با پاسخگویان به دست آمد، اشاره به ویژگی‌های اجتماعی از جمله بهزیستی اجتماعی، روابط بین فردی و مهارت‌های اجتماعی و مرزبندی اجتماعی است. افراد با استعداد مشارکت و تعامل موثری با دیگران و حضور فعالانه در جامعه دارند و از لحاظ روان‌شناختی سر حال هستند. در روابط اجتماعی دارای حد و مرز و بیشتر بر اهداف خود متمرکز هستند و در کارهای دیگران کمتر مداخله می‌کنند. به‌طور مثال از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: «افراد با استعداد به خاطر موفقیت‌ها و جایگاه اجتماعی مناسب به دلیل توانایی‌های خاص‌شان از سلامت روان بیشتری برخوردار هستند و دیگر مشارکت‌کننده می‌گوید: فرد با استعداد یکی از ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی بالا است که باعث موفقیت او می‌شود».

مضمون سوم: عوامل مرتبط با استعداد

این مضمون اشاره به سازه‌ها و فرآیندهایی دارد که با استعداد در ارتباط هستند و براساس صحبت‌های متخصصان تحلیل شده است. این مضمون به مقوله‌های شناختی، هیجانی، بافتی و زیستی تقسیم شده است.

مقوله شناختی

از جمله مواردی که مشارکت‌کنندگان از آن یاد کرده‌اند و ارتباط نزدیکی با استعداد دارند، عوامل شناختی است. این مقوله از زیرمقوله‌های کارکردهای اجرایی، ادراک و پردازش، سبک اندیشیدن تشکیل شده است. در افراد مستعد، نوع پردازش اطلاعات در مغزشان با سرعت بالاتری انجام می‌گیرد، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات در ذهن این افراد سریع‌تر اتفاق می‌افتد و دارای تفکر خلاق و تفکر استراتژیک هستند و از فرآیندهای شناختی سطح بالایی برخوردار هستند. به‌طور مثال از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: «سازه‌های استعداد کارکردهای توجه، ادراک و حافظه، فرافاصله و طرحواره‌های ذهنی است و از همه مهم‌تر: نوع پردازش و از نظر مشارکت‌کننده دیگری: عوامل خیلی زیادند مثلاً می‌توانیم یک سری عوامل دیگر مثل سبک تفکر را به استعداد ربط دهیم، افراد مستعد تفکر خلاق بیشتری دارند».

مقوله هیجانی

با حرکت افراد به سمت استعدادها، نشاط در جامعه افزایش پیدا می‌کند. افراد در حیطه استعدادی خود تمایل و علاقه بیشتری به انجام کارها دارند و زمان بیشتری را صرف مهارت پیدا کردن و شکوفا کردن استعدادهای خود می‌کنند. و باور بیشتری

به توانمندی‌های خود پیدا می‌کنند. حرکت در مسیر استعدادها باعث افزایش تمایل و انگیزه درونی برای رسیدن به هدف می‌شود، همچنین افراد مستعد نشاط و سرزندگی بیشتری در زندگی احساس می‌کنند و احساس خوشبختی و رضایت‌مندی بیشتری در زندگی خود دارند؛ به‌طور مثال از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: «بحث علاقه‌مند بودن، گرایش داشتن، تمایل داشتن و بحث مهارت در انجام دادن در ارتباط با استعداد است؛ پس بحث شناخت، گرایش‌ها و مهارت‌ها را با همدیگر ببینیم. و دیگر مشارکت‌کننده معتقد است: من خیلی مطمئن هستم با حرکت افراد در مسیر استعدادهایشان نشاط در جامعه زیاد می‌شود».

مقوله بافتی

از سازه‌های بسیار مهم در تعریف استعداد به بافت زندگی فرد باید اشاره کرد. محیط اجتماعی - اقتصادی، محیط خانوادگی، محیط آموزشی و تربیتی از زیرمقوله‌های بسیار مهم در شکوفایی استعدادها برای افراد هستند. تجربیات محیطی افراد در زندگی از دوران کودکی تأثیر بسیاری در مسیر تحقق یافتن استعدادها می‌دارد. محیط خانوادگی فرد باید گرم و سرشار از حمایت باشد، و در جامعه، فرهنگی باشد که ارزش‌های سازگار با نهادهای آموزشی را منتقل و امنیت و حمایت کافی برای زندگی در مدرسه و خانه را فراهم کند. مدرسه و محیط آموزشی باید محیط مناسبی برای شناسایی و پرورش استعدادها ایجاد کند، مضامین تدریس شده در کلاس درس و شخصیت معلم نیز در کشف و پرورش استعدادها برای افراد موثر است. به عنوان نمونه از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: «شرایط جامعه، عامل بعدی است که با استعداد همبسته و خیلی مهم است؛ یعنی بعضی مواقع شرایط اقتصادی - اجتماعی می‌تواند استعدادها را شکوفا کند یا ضایع کند و از نظر مشارکت‌کننده دیگری: چیز دیگه هم که می‌تواند روی استعداد تأثیر بگذارد یا همبسته باشد اختلالات روحی - روانی والدین هم می‌تواند روی این تأثیر داشته باشد مثلاً والدی که افسردگی دارد قطعاً نمی‌تواند در زمان مناسبی با بچه‌اش تعامل برقرار کند».

مقوله زیستی

در رویکرد شناخت استعداد، چنین فرض می‌شود که یک زمینه عصبی وجود دارد. بنابراین مهم است که فرآیندهای عصبی - زیستی که زمینه‌ساز رفتارهایی به عنوان استعداد است را تحقیق کنیم. بسیاری از کارکردهای استعداد پایه زیستی دارند و در افراد به کارکردهای مغزی مربوط هستند. مشارکت‌کنندگان نیز به نقش سازه زیستی اشاره داشته‌اند: «می‌توان به بافت مغزی، حجم نیم‌کره‌های مغز، حجم و ساینز نورون‌ها، انتقال‌دهنده‌های عصبی، ساختار بدنی اشاره کرد. به

عنوان نمونه از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: فکر می‌کنم با توجه به آن تعریفی که من بهش قائل هستم، آن سازه‌ها بیشتر سازه‌های ساختاری و زیستی است؛ مثلاً وقتی از استعدادی مثل استعداد کلامی صحبت می‌کنیم، ظرفیت‌های ساختاری مغز تعیین‌کننده‌های اصلی هستند».

مضمون چهارم: شیوه شناسایی استعداد

آخرین مضمون به دست آمده در این مطالعه شیوه‌های شناسایی استعداد است. در نهایت استعداد میل به بروز و شکوفایی دارد و اگر شرایط مناسب فراهم باشد، استعداد بروز پیدا می‌یابد و خروجی آن یک برآیند با کیفیت را به نمایش خواهد گذاشت. سال‌هاست درباره بهترین راه شناسایی افراد بااستعداد بحث است. برای انتخاب روش شناسایی معتبر نیازمند یک نظریه راهنما هستیم که سرلوحه قرار بگیرد و مناقشات بین نظریه‌پردازان نیز بی پایان است. روش‌های شناسایی استعداد یکی از مقوله‌های مهم است که در مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان، به دو زیر مقوله آزمون‌محور و روش میدانی اشاره کردند.

روش آزمون‌محور

ابزارهای زیادی برای شناسایی افراد بااستعداد از گذشته تا به امروز وجود داشته است. یکی از روش‌های شناسایی استعدادها استفاده از شیوه‌های روان‌سنجی و آزمون‌های استاندارد است. یکی از مدل‌های رایج شناسایی، استفاده از ابزارهای چندگانه است؛ تا کودک فقط به خاطر یک نمره و یک آزمون برچسب نخورد و به همین منظور، ما نیازمند استفاده از آزمون‌ها توانایی شناختی و رغبت‌ها و ترجیحات هستیم. استفاده از آزمون‌های استاندارد که به اندازه‌گیری توانایی‌های شناختی مانند زبان و ریاضیات می‌پردازند و همچنین به کارگیری پرسش‌نامه‌هایی که به افراد امکان می‌دهد تا علایق و ترجیحات خود را ابراز کنند. مشارکت‌کنندگان نیز به استفاده از روش‌های آزمون‌محور اشاره داشتند: «استعداد با توجه به نظریات اگر بخوام برات بگم هم شیوه‌های روان‌سنجی وجود دارد؛ مانند آزمون استانفورد بینه و پرسش‌نامه علایق هالند».

روش میدانی

یک روش دیگر استفاده از شیوه‌های میدانی است. مانند بررسی پورتفولیو زندگی فرد، مشاهده‌گری و مصاحبه عمیق زندگی فرد. ما ظرف مدت حداقل شش ماه باید استعداد فرد را بسنجیم و با افرادی که با فرد در تعامل هستند مصاحبه داشته باشیم. معلمان و مربیان می‌توانند با مشاهده رفتار دانش‌آموزان در

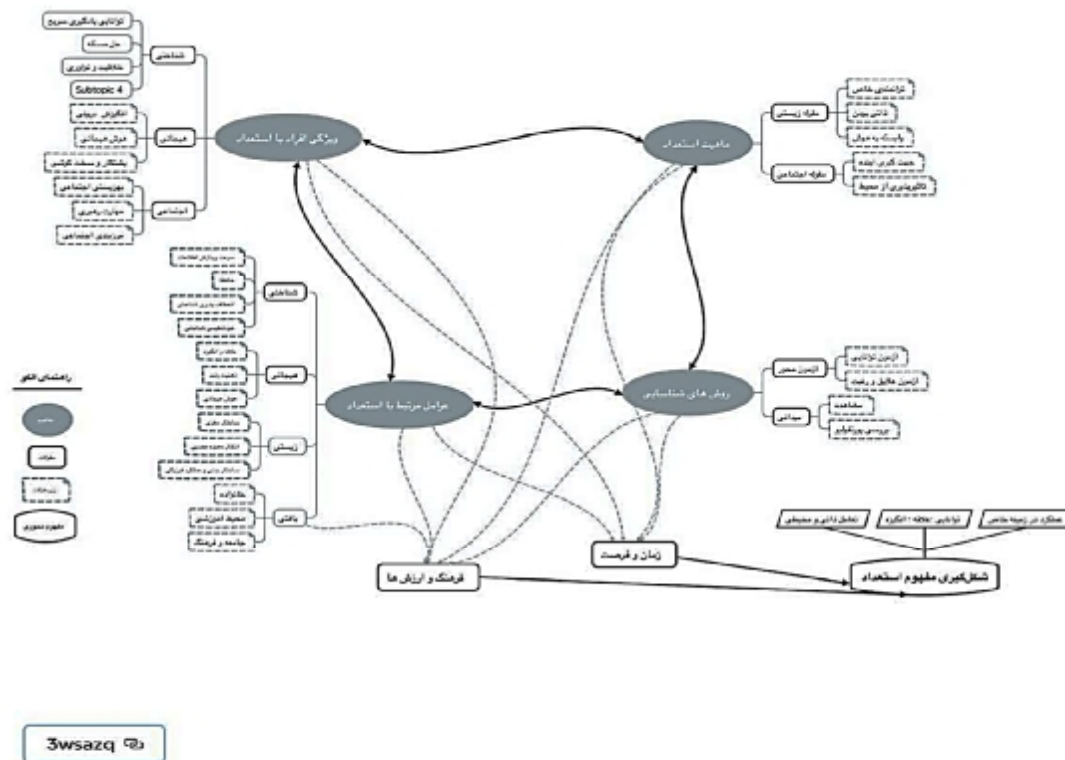
کلاس و فعالیت‌های گروهی به تشخیص استعدادها بپردازد. همچنین گفتگو با دانش‌آموزان برای فهم بهتر استعدادها و علایق آن‌ها کمک‌کننده است. دادن پروژه‌های عملی به افراد برای نشان دادن توانایی‌ها در شریطی واقعی مناسب است. به‌طور مثال مشارکت‌کننده‌ای عنوان کرد: «ما حتماً باید پورتفولیوی زندگی فرد را بدانیم چی بوده مثلاً میای تو به من میگی که من استعداد ریاضی دارم من می‌گم خب تو تا حالا توی ریاضی چیکار کردی؟ دستاوردی داشتی؟ و مشارکت‌کننده دیگری گفت: ما ظرف مدت شش ماه باید استعداد را بسنجیم یعنی در زندگی فرد مشاهده بکنیم آن توانمندی‌ها را و می‌توانیم از طریق مشاهده‌های عمیق و مصاحبه‌های عمیق با معلم‌ها و والدین که دارند با بچه‌ها کار می‌کنند».

در شکل ۱ دیاگرام مدل نمایش داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عمیق مفهوم استعداد در نظام آموزشی ایران و ارائه مدلی جامع برای شناسایی و پرورش استعدادها انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که استعداد در دیدگاه متخصصان ایرانی پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که هم شامل مؤلفه‌های ذاتی می‌شود و هم تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد. این نتیجه‌گیری با تعریف انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۲۲) که استعداد به عنوان توانایی ذاتی که نیاز به پرورش دارد، همسو است. پژوهش‌های اخیر، از جمله مطالعه حاضر، تأکید می‌کنند که استعداد تنها به توانمندی‌های ذاتی محدود نمی‌شود؛ بلکه تحت تأثیر عوامل محیطی مانند خانواده، مدرسه و فرهنگ نیز قرار دارد. این نگاه چندبعدی با مدل‌های روان‌شناختی معاصر مانند مدل گانیه (۲۰۱۸) همخوانی دارد که استعداد را حاصل تعامل بین توانمندی‌های طبیعی و عوامل محیطی می‌داند.

یکی از چالش‌های اساسی در نظام آموزشی ایران، ابهام در تعریف استعداد است. این ابهام منجر به شناسایی نادرست دانش‌آموزان مستعد و در نتیجه پرورش ناکافی آن‌ها شده است. به گفته سابوتنیک و همکاران (۲۰۱۲)، عدم شفافیت در تعریف استعداد می‌تواند به اتلاف منابع آموزشی و کاهش اثربخشی برنامه‌های استعدادپروری بیانجامد. در این پژوهش، ۶۵ درصد از متخصصان آموزشی شرکت‌کننده به پیامدهای منفی این ابهام اشاره کرده‌اند؛ از جمله نادیده گرفتن استعدادهای پنهان و تمرکز نادرست بر معیارهای محدود شناختی.



Presented with xmind

شکل ۱. دیاگرام مدل بازشناسی مفهوم استعداد از دیدگاه متخصصان علوم رفتاری در نظام آموزشی ایران: یک مدل مفهومی

مانند عدم توجه به خلاقیت، باعث شده است که بسیاری از استعدادها نادیده گرفته شوند.

در بعد هیجانی، انگیزش درونی به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد بااستعداد شناسایی شده است (دوک، ۲۰۱۵). دانش‌آموزان مستعد معمولاً تمایل ذاتی به یادگیری دارند و در مواجهه با چالش‌ها پشتکار نشان می‌دهند. این ویژگی در نظام آموزشی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که تقویت انگیزه درونی می‌تواند به پرورش استعدادها کمک شایانی کند.

به بعد اجتماعی استعداد نیز در این پژوهش تأکید شده است. مهارت‌های اجتماعی و توانایی تعامل مؤثر با دیگران از ویژگی‌های بارز افراد مستعد هستند. در فرهنگ ایرانی، که بر روابط بین‌فردی تأکید زیادی دارد، این بعد از استعداد می‌تواند نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان ایفا کند. با این حال، نظام آموزشی ایران هنوز برنامه‌های مناسبی برای پرورش این مهارت‌ها طراحی نکرده است.

بخش سوم: عوامل مؤثر بر استعداد و تفاوت‌های فرهنگی در این پژوهش، چهار دسته عوامل زیستی، شناختی، هیجانی و بافتی به عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر استعداد شناسایی شده‌اند. در میان این عوامل، نقش محیط خانواده و

برای رفع این چالش، نیاز به بازتعریف استعداد در چارچوب بومی و فرهنگی ایران احساس می‌شود. به عنوان مثال در فرهنگ ایرانی، ویژگی‌هایی مانند خلاقیت، انعطاف‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی ممکن است اهمیت بیشتری نسبت به معیارهای سنتی مانند نمرات بالا داشته باشند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که نظام آموزشی ایران باید از تعاریف یک‌بعدی فاصله گرفته و به سمت مدل‌های جامع‌تری حرکت کند که تمام ابعاد استعداد، از جمله شناختی، هیجانی و اجتماعی را در برگیرد.

بخش دوم: ویژگی‌های افراد بااستعداد در ابعاد شناختی، هیجانی و اجتماعی

ویژگی‌های افراد بااستعداد در سه حوزه اصلی شناختی، هیجانی و اجتماعی بررسی شده است. در بعد شناختی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سرعت پردازش اطلاعات و خلاقیت از شاخص‌های کلیدی استعداد هستند (استرنبرگ، ۲۰۲۱). دانش‌آموزان مستعد معمولاً توانایی حل مسئله سریع و تفکر واگرا دارند که آن‌ها را از همسالان خود متمایز می‌کند. در نظام آموزشی ایران، این ویژگی‌ها اغلب از طریق آزمون‌های استاندارد سنجیده می‌شوند؛ اما محدودیت‌های این روش‌ها،

هستند. این اقدامات می‌توانند به ایجاد نظامی جامع و کارآمد در زمینه استعدادپروری منجر شوند. همان طور که کراس و کلمن (۲۰۰۵) اشاره کرده‌اند، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و بومی در طراحی برنامه‌های استعدادپروری ضروری است.

بخش پنجم: مدل پویای استعداد ایرانی می‌تواند گام موثری در جهت تدوین چارچوبی بومی برای استعدادپروری باشد. این مدل بر تعامل بین عوامل ذاتی و محیطی تأکید دارد و می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی آینده در ایران باشد. همان طور که یکی از مشارکت‌کنندگان (P7) اشاره کرد: «استعداد مانند نهالی است که هم به خاک مناسب (ژنتیک) نیاز دارد و هم به باغبانی دانا (محیط)».

در نتیجه، توجه همزمان به ابعاد مختلف استعداد و عوامل مؤثر بر آن، همراه با به‌کارگیری روش‌های شناسایی ترکیبی، می‌تواند به ایجاد نظامی جامع و کارآمد در زمینه استعدادپروری منجر شود که هم نیازهای فردی و هم ضرورت‌های اجتماعی را در نظر بگیرد.

ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که تنها روی افراد متخصص در حوزه آموزش و استعدادپروری تمرکز دارد و نیاز به انجام مطالعات روی عموم جامعه نیز احساس می‌شود. همچنین طرح پژوهش نیز باید مد نظر قرار گیرد؛ زیرا پژوهش‌های کیفی مانند این پژوهش، به دنبال طبقه‌بندی مفهومی از یک رویداد هستند و نیازمند ایجاد ارتباط میان مفاهیم ارائه شده و آزمون مدل‌های ارائه شده هستند. نهایتاً، تمرکز بر اساتید دانشگاه‌های دولتی و استعدادپرورانی در شهر تهران ایجاب می‌کند که به‌طور گسترده‌تر بر گروه‌های دیگری که در مناطق مختلف فعالیت می‌کنند، تمرکز شود.

مدرسه در نمونه ایرانی برجسته‌تر از پژوهش‌های غربی بوده است (برنر، ۲۰۰۵). به عنوان مثال یافته‌ها نشان داد، ۴۲ درصد از مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که در ایران، خانواده‌ها نقش فعال‌تری در شناسایی و پرورش استعدادهای فرزندان خود دارند.

این تفاوت‌های فرهنگی نشان می‌دهد که برنامه‌های استعدادپروری باید با توجه به شرایط بومی طراحی شوند. برای مثال در ایران، مشارکت خانواده‌ها در فرآیند آموزش می‌تواند به شناسایی بهتر استعدادهای کمک کند. همچنین، نقش معلمان به عنوان الگوهای آموزشی و تربیتی در فرهنگ ایرانی بسیار پررنگ است؛ بنابراین آموزش معلمان در زمینه استعدادپروری می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر موفقیت دانش‌آموزان داشته باشد. بخش چهارم: روش‌های شناسایی استعداد و پیشنهادها

عملی

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، تأکید بر ترکیب روش‌های آزمون‌محور و میدانی برای شناسایی استعدادهاست. روش‌های سنتی مانند آزمون‌های هوش، اگرچه مفید هستند، اما به تنهایی کافی نیستند. مشاهده عملی و بررسی پورتفولیو در سنین پایین می‌تواند به شناسایی استعدادهای پنهان کمک کنند. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان (P12)، تغییر روش‌های تدریس باعث شد ۴۰ درصد بیشتر استعدادهای شناسایی شوند، که نشان‌دهنده اهمیت نگرش سیستمی به استعدادپروری است.

از جمله پیشنهادها عملی این پژوهش، ایجاد بانک اطلاعاتی از تجارب موفق معلمان، تدوین برنامه‌های آموزشی ویژه والدین و معلمان و طراحی سیستم‌های ارزشیابی پویا

References

- American Psychological Association. (2022). *APA dictionary of psychology*. <https://dictionary.apa.org/>
- Arsalidou, M., & Taylor, M. J. (2011). Is 2+2=4? Meta-analyses of brain areas needed for numbers and calculations. *NeuroImage*, 54(3), 2382–2393. <https://doi.org/10.1016/j.neuroimage.2010.10.009>
- Borland, J. H. (2005). Gifted education without gifted children: The case for no conception of giftedness. In R. J. Sternberg & J. E. Davidson (Eds.), *Conceptions of giftedness* (2nd ed., pp. 1–19). Cambridge University Press.
- Bronfenbrenner, U., & Morris, P. A. (2006). The bioecological model of human development. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds.), *Handbook of child psychology: Vol. 1. Theoretical models of human development* (6th ed., pp. 793–828). Wiley.
- Bryant, A., & Charmaz, K. (2019). *The SAGE handbook of current developments in grounded theory*. SAGE.

منابع

- Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory* (2nd ed.). SAGE.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research* (3rd ed.). SAGE.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). SAGE.
- Cross, T. L., & Coleman, L. J. (2005). School-based conception of giftedness. In R. J. Sternberg & J. E. Davidson (Eds.), *Conceptions of giftedness* (2nd ed., pp. 52–63). Cambridge University Press.
- Dweck, C. S. (2015). *Mindset: The new psychology of success*. Ballantine Books.
- Gagné, F. (2018). Academic talent development: Theory and best practices. In S. I. Pfeiffer (Ed.), *Handbook of giftedness in children* (2nd ed., pp. 83–112). Springer.
- Gottfried, A. E., Gottfried, A. W., & Guerin, D. W. (2006). The Fullerton Longitudinal Study: A long-term investigation of intellectual and motivational

- giftedness. *Journal for the Education of the Gifted*, 29(4), 430–450. <https://doi.org/10.4219/jeg-2006-244>
- Jarvin, L., & Subotnik, R. F. (2015). Rethinking giftedness and gifted education: A proposed direction forward based on psychological science. *Psychological Science in the Public Interest*, 16(1), 3–54. <https://doi.org/10.1177/1529100615569721>
- Makel, M. C., Kell, H. J., Lubinski, D., Putallaz, M., & Benbow, C. P. (2021). When lightning strikes twice: Profoundly gifted, profoundly accomplished. *Psychological Science*, 32(5), 622–634. <https://doi.org/10.1177/0956797620975775>
- Merriam, S. B., & Tisdell, E. J. (2015). *Qualitative research: A guide to design and implementation* (4th ed.). Jossey-Bass.
- Mousavi, S. F., Hejazi, E., & Hajhosseini, M. (2021). Challenges of talent identification in Iran's educational system: A qualitative study. *Journal of Educational Psychology*, 15(2), 45–67. [In Persian]
- Olszewski-Kubilius, P. (2000). The transition from childhood giftedness to adult creative productiveness: Psychological characteristics and social supports. *Roeper Review*, 23(2), 65–71. <https://doi.org/10.1080/02783190009554068>
- Plomin, R., & von Stumm, S. (2018). The new genetics of intelligence. *Nature Reviews Genetics*, 19(3), 148–159. <https://doi.org/10.1038/nrg.2017.104>
- Saldaña, J. (2014). *The coding manual for qualitative researchers* (2nd ed.). SAGE.
- Stafford, L., & Lee, A. (2021). *Grounded theory methodology in applied linguistics*. Routledge.
- Steele, C. M. (2010). *Whistling Vivaldi: How stereotypes affect us and what we can do*. W. W. Norton.
- Sternberg, R. J. (2021). Transformational giftedness: Rethinking our paradigm for gifted education. *Roeper Review*, 43(4), 230–240. <https://doi.org/10.1080/02783193.2021.1984228>
- Subotnik, R. F., Olszewski-Kubilius, P., & Worrell, F. C. (2011). Rethinking giftedness and gifted education: A proposed direction forward based on psychological science. *Psychological Science in the Public Interest*, 12(1), 3–54. <https://doi.org/10.1177/1529100611418056>
- Terman, L. M. (1925). *Genetic studies of genius: Vol. 1. Mental and physical traits of a thousand gifted children*. Stanford University Press.
- Thomas, M. S. C., Kovas, Y., Meaburn, E. L., & Tolmie, A. (2019). What can the study of genetics offer to educators? *Mind, Brain, and Education*, 13(2), 81–88. <https://doi.org/10.1111/mbe.12189>
- von Stumm, S., Hell, B., & Chamorro-Premuzic, T. (2011). The hungry mind: Intellectual curiosity is the third pillar of academic performance. *Perspectives on Psychological Science*, 6(6), 574–588. <https://doi.org/10.1177/1745691611421204>
- Ziegler, A., & Phillipson, S. N. (2012). Towards a systemic theory of gifted education. *High Ability Studies*, 23(1), 3–30. <https://doi.org/10.1080/13598139.2012.679085>
- Zimmerman, B. J. (2002). Becoming a self-regulated learner: An overview. *Theory Into Practice*, 41(2), 64–70. https://doi.org/10.1207/s15430421tip4102_2